

## مکتب هنری هند در قرن شانزدهم

از متفرعات هنر خراسانی

در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، که اوقات عروج مملکت (۱) تیموریان هرات بود، هنر کتابسازی در خراسان - مخصوصاً در هرات - باوج خود رسیده بود. هنرهای متعلق کتابسازی مانند خطاطی، نقاشی، مینیاتور، تذهیب، رنگ آمیزی، جدول کشی، جلد سازی و غیره رواج تمام داشت که شاهکارهایی از این هنرهای از آن وقت تاکنون در برخی از کتابخانه ها و موزیم ها موجود است.

هنگامیکه سلطنت خراسان با سقوط تیموریان هرات از بین رفت، هنروران آنجا به بخارا و هند دربارهای صفویان ایران پیوستند و تخلیقات هنری خود را در آن ممالک دوام دادند.

در سطور ذیل شرحی از مکتب هنری هند بعد از فتح بابر در دهلی (۹۳۲ هـ ق) داده میشود، که دوام هنر خراسان را با آمیزش آن به شیوه های هنری هند، وانمود میسازد.

قصه امیر حمزه :

در عصر اکبری در هند فن شبیه کشی و نقاشی بعروج رسید. این فن قبلاً هم در هند وجود داشت ولی وقتی که همایون واپس از ایران بهند آمد وی هنرورانی را از آنجا ناخود آورد و در حدود ۱۵۶۹ م در

هندوستان استقراری بوجود آمد، که در اثر مساعی مصوران هندی و خراسانی مکتب مصوری هند دارای مزایای طرفین گردید.

ابوالفضل در آیین اکبری (طبع کلکته ص ۱۱۶) تفصیلی از تصویر خانه عهد اکبری میدهد که پیشرو از این موسسه هنری میرسید علی و خواجه عبدالصمد شیرین قلم بوده اند، دسوند چهار و بساون هر دو هندی و شاگردان عبدالصمد اند و علاوه از این کیسو، لعل، مکند، مشکین (یا مسکین) فرخ قلماق، ماهوجگن، مهیسل، کهیم کرن، تارا، سانولا، هر بنس رام هم از شاگردان این مکتب اند. که کتابها را مصور میساخته اند، چنانچه ابوالفضل کتابهای مصور شده این دبستان هنری، قصه امیر حمزه، چنگیزنامه، ظفرنامه یزدی، آیین اکبری، رزم نامه، راماین، نل و دمن، کلیله و دمنه، عیاردانش، و جز آن را ذکر میکند. هم وی میگوید که یک مجموعه کلان تصاویر ملا زمان دولت حسب الحکم اکبر ترتیب و تصویر شده بود.

ازین مجموعه تصاویر اکنون خبری نیست ولی پرسی براون در کتاب مصوری هندی (ص ۱۰۸) این کتابها را سراغ میدهد:

۱. کتابهای که در برتش موزیم لندن موجودند: واقعات بابری، داراب نامه، نفحات الانس بقلم مولانا عبدالکریم عنبرین قلم و یک کتاب دیگر
۲. کتابهای که در موزه وکتوریا و البرت لندن محفوظند: چند ورق کتاب امیرحمزه، اکبر نامه دارای ۱۱۷ تصویر، برخی از اجزاء واقعات بابری (بابر نامه).
۳. بهارستان جامی در کتابخانه بادلی اکسفورد
۴. در هندوستان: رزمنامه در پوتھی خانه مهاراجه جی پورو، تیمورنامه در راورینتل لایبری بانی پور.

علاوه برین در کتابخانه های خصوصی و ملی دیگر ممالک بسا نسخه های خطی مصور و مذهب این مکتب موجود اند. که تاکنون

شناخه و معرفی نشده اند. مثلاً در ستمبر ۱۹۶۷ مرحوم مولوی محمد شفیع: خوبشکی قصوری، در دکان جواهر فروشی شمله، هند، نسخه نفیس مصور رزم نامه را در سه جلد دید، که ۸۴ مجلس مصور داشت. و بخط پیرمحمد بن محمد حفیظ در سنه ۱۱۰۴ ق نوشته شده بود. در تصاویر جلد اول این کتاب مصور ان ذیل امضاء کرده بودند بساون، کهیم کرن، کانها، لعل، جگ جیون، بنواری، مادھوپارس، میر علی تبریزی، فرخ، غلام علی، که از این جمله نام شش تن در فهرست آیین اکبری هم دیده می شود

در کتابخانه ریاست رامپور (هند) نیز یک نسخه خطی دیوان حافظ در ۲۰۲ صفحه موجود بود، که هر صفحه آن ۱۳ سطر نستعلیق عالی و حاشیه های مطلا بانفوش نباتی و ده مجلس مینیاتور نفیس داشت و در تصویر کشی آن هنرمندان آتی سهم گرفته اند

کانها، سانو، فرخ چیله (۲ تصویر: سوهر، چیر (?))، و یک نام دیگر که خواش آن مشکوکست در تصویر اول اکبر بر تخت نشسته و بر لوح آن الله اکبر نوشته اند.

مؤرخان عهد اکبری از مجموعه تصاویر (قصه امیر حمزه) و سهم بررگترین هنرمندان این عصر میرسید علی و خواجه عبدالصمد و غیره ذکر کرده اند، ابوالفضل گوید: "قصه حمزه را دوازده دفتر ساخته رنگ آمیز کردند و استادان سحر پرداز یک هزار و چهار صد موضع را حیرت افزای دیده و ران گردانیدند" (آیین اکبری ۱ - ۱۱۷)

بدایونی مؤرخ مینویسد "جدایی میر سید علی مصور است، حیثیث (یعنی هنرها) بسیار دارد و هر صفحه تصویر وی کارنامه ایست و در هندوستان ثانی مانی بود و قصه امیر حمزه در شانزده جلد مصور باهتمام وی اتمام یافته، هر جلدی صندوق و هر ورق یک ذرع در یک ذرع و در هر صفحه صورتی

علاء الدوله بن يحيى سيفى قزوینی ۹۷۹ ق گوید :

"جدایی : اسمش میرسیدعلی و خلف صدق میر منصور مشهور است (۲) اصل ایشان از ترمذ است، بعضی اوقات اجداد وی در بدخشان می بوده اند، میر حیثیات بسیار دارد و در وادی تصویر که امر موروثی اوست، استاد بینظیر است و در فن شعر و دریافت آن بغایت بهره مند و خبیر.

میکنند پیدازنوک خامه مشکین رقم

سرهر صورت که آن مرقوم لوح فطرتست

در بدو حال و ایام شباب در عراق (۳) نشو و نما یافته و در شهور سنه ست و خمسین و تسعمانه (۹۵۶) بکابل آمد، بشرف ملازمت حضرت جنت آشنایی (۴) سرفراز گشته و حضرت ایشانرا بنا بر میل طبیعی به حیثیات خصوصاً تصویر، التفات و توجه بسیار بجانب میر بوده، تصویرات او را تعریفیات میفرموده اند و حالا منظور نظر کیمیا اثر حضرت اعلی ست (یعنی اکبر) و به خطاب مستطاب نادرالملک همایونشاهی ممتاز این ابیات از نتایج افکار بلاغت آثارش مرقوم افتاد :

خواستم گویم از احوال خود آن بدخورا  
همه دم همدم غیرست چه گویم او را  
صبحدم خار دم از همدمی گل میزد  
ناخنی در دل صد پاره بلبل میزد  
نسیم بسمل صیدم و افتاده دور از کوی دوست  
میروم افتان و خیزان تابینم روی دوست  
پر درم از داغ سودای تو سر تاپای ماست  
تاجر عشقیم و این ها مایه سودای ماست  
حسن بتان کعبه ایست عشق بیایان او  
سرزنش ناکسان خار مغیلان او

قصاید و مقطعات و رباعیات بسیار دارد همه مصنوع و مقبول هفت سالست که میر حسب الحکم حضرت اعلی، در کتابخانه عالی به تزئین و تصویر مجالس قصه امیر حمزه مشغولست و در اتمام آن کتاب بدایع انتساب، که از مخترعات خاطر وقاد حضرت اعلی (اکبر) است اهتمام می نمایند و الحق آن کتابیست که تا دوران سپهرمنیاگون از تصویر کواکب ثواقب، زیب و آرایش یافته، نظیر آن هیچ دیده و نه دیده ... و اختراع آن کتاب عجیب الابداع برینوجه خیال فرموده اند، که عجائب حالات و غرائب واقعات آن قصه را مبدا، تامل موبه موبه صحایف تصویر نگارند و از دقایق صورتگری دقیقه یی نامرعی نگذارند. و آن حکایت در دوازده مجلد باتمام خواهد رسید هر جلدی مشتمل بر یک صد ورق و هر ورق ذرع در یک ذرع، محتوی بر دو مجلس تصویر، بر صدر هر مجلس حالات و واقعاتی که به محتوی صفحه متعلق است بزبان وقت املا کرده اند و انشاء ابداع آن حکایات شوق انگیز و روایات طرب آمیز بحسن اهتمام و نتایج اقلام سحر انجام فصاحت شعار و بلاغت و کمالات آثار خواجه عطاء الله منشی قزوینی که طبع وقادش ناقد کلمات دلفریب است، صورت انجام و اتمام می یابد و با آنکه در مدت مذکور سی نفر از مصوران بهزاد صفت مانی سیرت در آن کتاب به دوام باهتمام کار می کنند، زیاده از چهار جلد باتمام نرسیده، کمال زینت و نهایت پرکاری آن از این معنی قیاس توان کرد ... در این ولامیر مذکور رخصت حج گرفته سرکاری کتاب مذکور به استاد عدیم المثل خواجه عبدالصمد مصور شیرازی مرجوع شد و خواجه مذکور در اتمام آن غایت اهتمام بجا آورده در خرج آن کفایت نمایان کرد.

(از نسخه نفایس المائر ورق ۳۲۳ که در کتابخانه پروفیسر سراج الدین آرزو در لاهور بود.) این خواجه عبدالصمد فرزند نظام الملک وزیر شاه شجاع شیراز بود، و در تبریز بخدمت همایون رسید در

حالیکه به مصوری و خطاطی شهرت داشت. و چون در سنه ۹۷۶ ق رسید سید علوترمذی در کابل پیش همایون آمد، خواجه نیز بکابل رسید و با همایون به دهلی آمدند.

در عهد اکبری منصب چارصدی داشت و در سال بیستم جلوس اکبری در فتح پورامین دارالضرب بود، تا که در سال ۳۱ دیوان صوبه ملتان شد. (۵)

و بدایونی دربارهٔ پسرش شریف متخلص به فارسی می نویسد :  
"مشهور است که پدرش (عبدالصمد) در یک طرف دانه خشخاش سوره اخلاص تمام درست خوانا نوشته و طرف دیگر نیز از این مقوله" (۶)

پس سید علی ترمذی ثم بدخشی را که موسس مکتب مصوری هند در عصر شاهان بابر به هند است حامل اصلی سنن هنری خراسان به هند دانیم و خواجه عبدالصمد هم دوام دهنده این مکتب است، که مزایای هنری خراسان را با سبک قدیم هنر مصوری هندی در آمیخته و شاگردان زیادی را در هند و دربار اکبر و اخلاف او پرورش داد، ابو الفضل او را چنین ستوده است :

خواجه عبدالصمد شیرین قلم از شیراز است، اگر چه این فن را پیشتر زمان ملازمت می دانست اما با کسیر بینش شاهنشاهی، رتبه والا یافت و صورت او روی بمعنی آورد و شاگردان استاد، از آموزش او پدید آمدند ... (۷)

از آثار باز مانده هنری مکتب مغولیه هند نسخه خطی خمسه نظامی موزه بریتانیاست، بخط عبدالرحیم هروی خطاط معروف دربار اکبر مشهور به عنبرین قلم که در سنه ۱۰۰۲ ق ۱۵۹۳ م نوشته شده و بقول ابوالفضل سیزده نقاش بزرگ و ازان جمله عبدالصمد شیرین قلم در نقاشی و تذهیب و تحریر آن سهم اند که اوقات پیری این هنرمند است.

دیگر کتاب بسیار نفیس و مزین و مذهب که نمودار سوبه عالی هنر آرایش کتاب است نسخه بسیار ارزشمند قرآن عظیم بخط سیاوش بن احمد و تذهیب و نقاشی و هنر آرای عبدالصمد باشد که در کتابخانه پوهنتون کابل نمبر ۴۹۰ خطی نگهداری می شود، و منقش و مجدول مطلای رنگین است. در هر صفحه سه سطر آیات قرآنی را به ثلث جلی عالی طلا و لاجورد نوشته و در بین این سه سطر جلی بخط نسخ زیبای خفی چندین سطر را به سیاهی نگاشته و هر صفحه جلد اول تحریر شده طلایی دارد. علامات رکوع بر حاشیه شمسه های مدور رنگین لاجورد و طلاست که به نقاشی لطیف آراسته اند. اوایل سور، لوحه های مستطیل کوچک مرصع با نقاشی دقیق دارای خطوط اسلیمی و نوشته خط رقاع دارد.

در آغاز قرآن سوره فاتحه و اوایل سوره اله، بر دو صفحه متناظر، بخط رقاع طلایی بر زمینه لاجوردی در بین ترنج مدور مرصع و منقش دقیق نوشته شده و دور نوشته طلایی یک خط سیاه دارد.

کاتب این خطوط زیبا یکتا خطاط بسیار ماهر و استادبست که شناخته شده بنام سیاوش بن احمد.

در آخر قرآن دو صفحه متناظر دارای نقاشی عالی شبیه مکتب هراتست که در بین هر صفحه یک ترنج مشابه دو صفحه اول قرآن دیده میشود، که بر زمینه لاجورد بخط رقاع طلا در بین گل کاری لطیف چنین نوشته اند :

" هو الله سبحانه و تعالی، این مظهر خیر الکلام سبحانی و مظهر بدایع حقایق و معانی که خط الواحش از خوبی خطوط شمسه زنگار مهر و الواح لاجوردی سپهر را زیوربست و هر یک از آیات بلند را یا تش بر اوج رفعت و ذوره هدایت اختر. در سنه ثلاث و اربعین و تسعمائه صفت اتمام یافت و سمت تحریر پذیرفت. شرف بکتابه اقل الخایق المتوفق بعنایت الملك الاحد الصمد سیاوش بن احمد و

خدمه بتذهيبه و تحريره عبدالصمد شيرازى الحافظ ... " در پنج ورق مابعد، زير يك سرلوحه مرصع زمينه لاجورد فالنامه قرآنى بخط نستعليق خوش نيمه جلى نوشته شده كه بين السطورين منقوش دارد و عدد اوراق نسخه ۸۹۱ بقطع ۷ ضرب ۱۲ سانتى متر است.

چون مضمون خاتمه نسخه بين دو شمسه مرصع اخير، مظموس بود، در سنه ۱۳۳۳ ق ۱۹۱۴ م مالک اين نسخه عبدالقادر خان کرنيل طرقي، آنرا در کابل به شيخ محمد رضا خراسانى سپرد، تا آنرا خواند و عين مضمون فوق را بخط خوش نسخ خود در دو شمسه نظير اصل كه محمد رضاخان نقاش نائب السلطنه سردار نصرالله خان بن امير عبدالرحمن خان نقاشى و تقليد کرده است نوشت و در دو صفحه جديد اين مطلب بخط خوش شيخ محمد رضا خراسانى ديده ميشود.

چنين بنظر مى آيد كه كاتب متن قرآن شريف در تمام خطوط، دست قوى داشت و در متن ثلث و نسخ و رقاع را در كمال قدرت نوشت و در آخر فالنامه را هم به نستعليق خوش بامزه نيمه جلى نگار داد، و اين سال ۹۴۳ ق ۱۵۳۶ م است كه عبدالصمد مذهب و محبر اين نسخه نفيس هنوز در تبريز است و اورا همايون در سنه ۹۵۶ ق ۱۵۴۹ م بكابل خواست و با خود بهند برد.

بنابرين توان گفت كه متن نسخه بايد در ايران در مكاتب متفرع از هنر هرات عصر صفويان نوشته و آراسته شده باشد و كاتب آنرا از خطاطان همين عصر بايد شمرد.

علاوه بر محاسن فراوان هنرى وقايه اين نسخه هم بسيار سالم مانده و ارزش خاصى دارد، كه روغنى لاكى مرصع و طلا كار نفيس است.

نقاشى آن در كمال زيبايى و دلکش است و هر دو صفحه اول و آخر بيرونى آن مناظر ند و دو صفحه درونى آن هم مرصع و منقش با

گل روى دلکش و نظر نواز ساخته شده و الوان گوناگون را با نقوش متوازن در آن بکار کرده اند، كه از مصنوعات بسيار عالى كشمير در عصر مغوليه هند باشد.

برای تکمیل این بحث باید گفت كه دو صفحه مینیاتور بقلم عبدالصمد زرین قلم نیز موجود است :

(۱) در موزه قصر گلستان تهران كه در حدود ۹۶۳ ق ۱۵۵۹ م در هند همایون و اكبر را در صفه باغى نشان ميدهد و آنقدر پر از مناظر مختلف بوستان و درخت و گل و ابنیه و چبوتره و درو ديوار و تجير و انسان و حيوان و غيره است كه مهارت مصور را در كشيدين انواع موجودات نشان ميدهد و هيچ خلایى در آن ديده نمى شود (لوحه ۹۱۲ سروى هنر ايران)؟

رنگ اميزي و منظر نگارى و لباس آرايى و چهره كشى آن هم خراسانيست.

نقاشى و ابنیه و البسه، دقيق و رنگين است. انواع الوان گرم و سرد در آن بكار رفته و بهترين اثر دنباله مكتب هرات و تبريز در هند است.

(۲) اسپ و مهتر آن كه در حدود ۹۵۷ ق ۱۵۵۰ م مصور گرديده و رقم عبدالصمد زرین قلم دارد در موزه قصر گلستان تهرانست (لوحه ۹۱۳ ب سروى هنر ايران).

کتابخانه خان خانان :

بيرم خان مردى خراسانى و از همراهان و جنگ آوران بابر بود، كه مدتى حكمرانى شهر قندهار داشت، و پير روشان مرد رزمنده تاريخ افغانستان در عصر او به قندهار سفر کرده بود.

بيرم خان علاوه بر صفات رزمى و دلاورى و ادارى، مرد ذوق و شعر و ادب هم بود، ديوان شعر او مشتمل بر درى و تركى اخيراً در پاكستان طبع شده است و تا عصر همايون زنده بود.

بعد ازو پسرش عبدالرحیم خان خانان متخلص به رحیم یکی از رجال بزرگ دربار اکبری در دهلی بود، و در ولایات متعدد کشور وسیع مغولیه هند حکمرانی و دستگاه هنر و ادب پروری داشت و میگفت :

از آن خوشم به سخن های دلکش تو "رحیم"  
که اندکی به ادهای عشق مانند است

خان خانان هم تصویرخانه و کتابخانه بزرگی داشت، که در آن خطاطان و مصوران و شاعران و نویسندگان را فراهم آورده، بود و به پرورشی این طوایف می پرداخت. با شاعران محشور و بزم ادب وی همواره گرم بود.

عبدالباقی نهایندی مولف مآثر رحیمی مینویسد که کار تصویر سازی کتابخانه خان خانان به میان فهیم و میان ندیم (۸) دو تن هنر مند تومسلم راجیوت محول بود، (۹) و مادھو نام یکتن هنرمند و هم با ایشان همکاری داشت. از نقاشان مولانا مشفق و بهبود بوده اند، که بهبود غلام پرورده میرزا باقی در نوشتن خط نسخ و تعلیق دسترسی داشت و نهایندی گوید :

"بزیب و زینت کتب و کتابت و طلا دوزی اشتغال دارد، راقم (نهایندی) تصویر و خط ایشان را بنظر آورده الحاق نادره زمان خود است."

مولانا ابراهیم نقاش نیز از ملازمان خان خانان بود و بقول نهایندی :

"نقاش و خوشنویس و مذهب و صحاف و حکاک بینظیر بود و اکثری از صنایع را خوب میدانست و بکمال حیثیات و استعداد آراسته بود ... تصویر و تذهیب و خط او در این مکتب خانه دانشمندان بسیار است." ملا عبدالرحیم عنبرین قلم هروی نیز در خط نسخ و تعلیق استاد پر آوازه این مکتب شمرده می شد و بقول

نهایندی : "بیمن شاگرد و تربیت این سپه سالار ترقی تمام در خطش پدید می آمد و آوازه خوش نویسی او هندوستان را فرا گرفت ... و اکثر کتب این سرکار بخط آن نادره زمانست." (۱۰)

دیگر از هنرمندان هراتی در این هنرکده ملا مومن هروی است که خط نسخ و تعلیق را جلی می نوشت و در وقت تالیف مآثر رحیمی مرده بود و برادرش محمد حسین در صحافی و جلد سازی شهرت فراوان داشت و بقول مآثر : "در عکس کار از ملا محمد امین گذرانید ... این دو برادر از روزی که داخل هندوستان شده اند بغیر از دربار این سپه سالار و کتابخانه عالی ایشان بر در دیگری نرفته اند." (۱۱)

مولانا درویش از قصبه تربت حیدری و پسر مولانا عبدالصمد نیز از تعلیق نویسان ماهر بود، که در دارالانشاء روضه مشهد رضوی محرری کردی. بعد از این بخدمت خان خانان رسید و نوازشها یافت در عالم پیری به کاشان رفت و پسرش خواجه محمد قاسم بجایش ماند.

ملا محمد حسین خراسانی نیز یک رکن این کتابخانه بود که در فن تذهیب و جدول کشی و عکس، نظیری نداشت و در مشهد رضوی کار آموخته بود. چون عبدالله خان اوزبک خراسان را گرفت او با فرزندش در هند بخدمت خان خانان پیوست و ابری را ایجاد کرد و "عکس هفت رنگ" را ساخت و بقول نهایندی :

"معامله عکس را بجایی رسانید که در متقدمین هیچکس پیرامون آن نمی توان گردید. وی شعر هم میگفت تخلص او امینی است، ازوست :

هر کس را دادی میان جان و دل جادشمن است  
و آنکه با اهل زمان بدنیست با ما دشمن است (۱۲)

(رحیمی ۱۶۷۸/۳)

ماخذ

۱. مخفی نماند که عبد الرزاق سمرقندی در مطلع سعدین، کشور تحت اداره تیموریان هرات را مملکت یا سلطنت خراسان می نامد
۲. کذا. ولی در آیین اکبری (۵۴/۱) سید علی پور میر منصور.
۳. آیین: در تبریز
۴. مراد همایون پسر بابر شاه است.
۵. آیین اکبری ترجمه انگلیسی ۶۹۵ - ۶ - منتخب التواریخ ۳۱۰/۳ - ۷ - آیین ۱۱۷/۱.
۶. نهاوندی درباره او مینویسد: "در فن نقاشی و تصویر بعد از مانی و بهزاد مثل او از مادر متولد نشده بود، و این کسب در این کتابخانه و در خدمت این سپه سالار نموده بود..." (مآثر رحیمی ۱۶۸۱/۳)
۷. مآثر رحیمی ص ۱۶۸۱ و نیز مآثر الامراء (۱ - ۵۱۲)
۸. مآثر رحیمی ص ۱۶۷۸.
۹. مآثر رحیمی ۱۶۸۰ - ۱۶۸۳.
۱۰. مرحوم مولوی محمد شفیع: و نیز اروینتل کالج میگزین، نومبر ۱۹۶۸ لاهور.
۱۱. محمد شجاع الدین: اروینتل کالج میگزین، نومبر ۱۹۶۸ لاهور.
۱۲. حبیبي: هنر عصر تیموریان طبع تهران.
۱۳. مجله کتاب، سال ۱۳۶۱ ش، شماره اول، ص ۱ - ۱۴.